



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۱۰۰۰

یکشنبه ۶ آذر ۱۴۰۱ - ۲۷ نوامبر ۲۰۲۲

ضمیمه انترناسیونال ۱۰۰۰

زمینه های سیاسی و اجتماعی انقلاب جاری

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

خلیل کیوان: اجازه بدهید با این سؤال شروع کنیم که اصولاً چرا انقلاب میشود؟ انقلابات چگونه شکل میگیرند؟ چرا در ایران راه حل های مثل رژیم چنچ، جنگ، کودتا، رفراندم، استحاله و اصلاحات و غیره در ذهنیت جامعه رنگ باخت و انقلاب در دستور قرار گرفت؟ و چرا واژه انقلاب که در پی شکست انقلاب ۵۷ بار منفی نزد بخشی از جامعه داشت اکنون چنین مقدس میشود؟

حمید تقوایی: اساس هر انقلابی از جمله انقلابی که امروز شاهدش هستیم مسائل و تناقضات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است که حکومت قادر به حل آنها نیست. اقشار مختلف جامعه بخصوص کارگران زحمتکش و اقشار تهیدست تحت فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار میگیرند و دیگر نمیتوانند این وضعیت را تحمل کنند و این گسترش پیدا میکند.

در شرایط امروز ایران اکثریت قریب به اتفاق مردم بالاخره بنحوی از شرایط موجود ناراضی اند و هیچ امیدی هم به تغییری به نفع خودشان نمی بینند. این شرایط، زندگی زیر خط فقر است، گرانی است، بی حقوقی است، سرکوب است، فقدان آزادی های سیاسی و مدنی و اجتماعی است. همه این مسائل اقشار مختلف جامعه را تحت فشار قرار داده است، دیگر نمیتوانند تحمل کنند و علیه آن به میدان آمده اند. به این معنا انقلاب یک پدیده ای است عینی و از شرایط واقعی زندگی سرچشمه میگیرد.

تأثیر گفتمانهای و راه حل های قبلی بر شرایط انقلابی هم بر مبنای همین خصلت عینی انقلاب قابل بررسی است. همانطور که اشاره کردم انقلاب وقتی رخ میدهد که جامعه به این نتیجه رسیده باشد که دیگر هیچ تغییری و اصلاحی در شرایط ممکن نیست. در ایران این تغییر را اصلاح طلبان حکومتی مطرح میکردند و بخشی از اپوزیسیون هم با آنها همراه میشدند. نیروهایی که یک نوعی روند تغییرات تدریجی که به آن استحاله گفته میشد را در دستور می گذاشتند. یا نیروهای اپوزیسیون راست که به بالا امید بسته بودند و ادعا میکردند که با تحولاتی از بالا، با رژیم چنچ و رفراندم و غیره مساله حل میشود. این نوع گفتمانها آمد و رفت و در نهایت

ادامه در صفحه ۲

اتحاد صف انقلاب و نقش احزاب

اعتصابات سراسری که از ۲۴ آبان آغاز شد یک بار دیگر گستردگی بی نظیر صف انقلاب برای زن زندگی آزادی و اتحاد و همراهی بخشها و اقشار مختلف جامعه در این حرکت عظیم را به نمایش گذاشت. اکنون نه تنها دانشجویان در ده ها دانشگاه در اعتصاب به سر میبرند بلکه در چهار روز گذشته بازاریان و کسبه در بیش از ۵۰ شهر در سراسر ایران، کارگران ذوب آهن اصفهان، کارگران مجتمع سیعی سنتر اصفهان، کارگران شرکت کروز، کارگران ایران تایر، و برخی از دیگر مراکز کارگری نیز دست به اعتصاب زدند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز اعلام کرده است که معلمان در اعتراض به کشتار کودکان به مدت سه روز اعتصاب خواهند کرد.

این اعتصابات بر متن تظاهرات ها و امروز دیگر قیامهای گسترده شهری که به روستاها نیز کشیده شده است، تجمعات اعتراضی پزشکان و وکلا، بیانیه ها و کلیپهای ضد حکومتی سینماگران و ورزشکاران و هنرمندان، و تظاهراتهای صدها هزار نفره ایرانیان و غیر ایرانیان در شهرهای مختلف کشورهای جهان صورت میگیرد. جامعه ایران یکپارچه به پا خاسته است و مردم شریف جهان را نیز با خود همراه کرده است.

به این ترتیب انقلاب جاری در ایران بیش از هر تجربه دیگری خصلت همگانی و فراگیر انقلابات را به نمایش میگذارد. یکبار دیگر به نحو غیر قابل انکاری عیان میشود که هر انقلابی پدیده ای همگانی است، حرکتی که توده های مردم، ۹۹ درصدیها را، به خیابان میکشاند. خصلت همگانی و فراگیر انقلابات بر خواست مشترک تغییر حکومت و نظام موجود مبتنی است. در انقلاب جاری نیز شعار زن زندگی آزادی تبلور خواست مشترک رهائی از شر جمهوری اسلامی است. رهائی از سلطه یک حکومت ضد زن، ضد زندگی، و ضد آزادی!

مردم بپاخاسته ایران با هشیاری از اتحاد و همبستگی فراگیر صفوف انقلاب پاسداری میکنند. "از زاهدان تا تهران خونین تمام ایران"، "سندج زاهدان چشم و چراغ ایران" و "یاشاسین کردستان، بژی آذربایجان"، "سندج زاهدان پیوندتان مبارک"، نمونه هایی از شعارهای ناظر بر همبستگی همه مردم ایران مستقل از هویت های قومی و ملی و اتنیکی است.

این تاکید بر اتحاد و همبستگی عمومی علیه جمهوری اسلامی نقش کلیدی در پیشروی و پیروزی انقلاب دارد. این

ادامه در صفحه ۵

زمینه های سیاسی و اجتماعی انقلاب جاری ادامه از صفحه ۱



جامعه در تجربه خودش دید که اینها راه حل نیست، اینها به جایی نمیرسد و خودش باید به میدان بیاید و آستین بالا بزند و دست بکار شود.

یک رکن دیگر انقلاب این است که مردم به قدرت خودشان اتکا می کنند و متوجه میشوند که برای تغییر اوضاع هیچ نیروی، چه از داخل حکومت و چه از خارج حکومت، نیروی که خواهان تحول از بالا و با تغییرات از بالای سر مردم است، نمیتواند اصلاحی به نفع آنها انجام بدهد. متوجه میشوند که چنین چیزی ممکن نیست. وقتی جامعه به این نتیجه میرسد اتکا به نیروی خود، به خیابان آمدن و تحقق خوستها به دست خود، تبدیل میشود به باور عمومی و به یک گفتمان عمومی. به همین خاطر همانطور که شما گفتید کلمه انقلاب هم که ممکن بود تا دو سال پیش اقبشاری از آن دلخوشی نداشته باشند یا آنرا هرج و مرج بدانند و یا فکر کنند که ۵۷ تقصیر انقلاب بود که جمهوری اسلامی آمد و به انقلاب روی خوشی نشان ندهند، این هم رخت برمبندد و انقلاب تبدیل میشود به یک ارزش و به یک گفتمان عمومی و امروز ما شاهد این تحول هستیم.

خلیل کیوان: از یک منظر تاریخی تحولات گذشته مثل انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن صنعت نفت و انقلاب ۵۷ چه تاثیری در زمینه سازی انقلاب جاری داشته است؟

حمید تقوایی: این تغییراتی که شما اشاره کردید همه برخاستن جامعه و به میدان آمدن جامعه و توده مردم بود برای اینکه مردم در آن مقطع به خواسته های برحقشان برسند. این تحولات از نظر شکل مشخص و موضوعاتی که در هر دوره مطرح بود با هم فرق دارند ولی از نظر آرمانی، از نظر آرزو و خواستی که مردم داشتند بسیار به هم نزدیک اند. از انقلاب مشروطه که اولین انقلابی بود که در دوره جدید در ایران رخ داد می بینیم که خواست آزادی، عدالت، تمدن و روی آوری به علم و به فرهنگ مدرن و خلاصی از شر قید و بندهای جامعه فئودالی و غیره خواست و هدف توده مردم است. اینها آرمانهایی است که به شکل دیگری در خیزشهای دهه ۲۰ و ۳۰، جنبشی که به جنبش ملی کردن صنعت نفت معروف شد، هم مطرح است. خواست آزادی، خواست استقلال از سلطه استعمار و رسیدن به یک جامعه مدنی، رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر جزئی از خواسته های این جنبش بود. در انقلاب ۵۷ هم به همین ترتیب و در انقلاب فعلی هم که می بینید با شعار زن، زندگی، آزادی در واقع مردم دارند همین آرمانها را فریاد میزنند.

بنابراین از نظر خواست و آرمان جامعه میشود گفت در صدساله اخیر جامعه ایران بارها بلند شده است برای اینکه به آزادی برسد، به عدالت برسد، به برابری برسد، به

فعال بوده و در جامعه تاثیرات خودش را داشته است.

همانطور که اشاره شد احزاب و نیروهای بحث اصلاحات را مطرح میکردند، بحث اینکه نظام باید بماند ولی تغییراتی در آن داده بشود. بعضی ها بحث رژیم چنج و تغییرات از بالا را مطرح میکردند، احزابی هم مثل حزب کمونیست کارگری از همان ابتدا میگفتند راه حل انقلاب است و ما مردم باید به خیابان بیاییم و به قدرت خودمان اوضاع را عوض کنیم و به آزادی و رفاه و برابری و خواسته های انسانی مان برسیم. این احزاب با سیاستهای جهتگیریهای متفاوت فعالیت کردند، تبلیغ کردند، سازمان دادند و گفتمان هایی را در جامعه شکل دادند و در مدیای اجتماعی در رسانه های تلویزیونی ماهواره ای و همچنین در سطح خیابانی و میدانی فعالیتهای زیادی کردند. و امروز انقلاب توده ای که آغاز شده نشان میدهد جامعه در جهت کدام سیاستها و در اثر چه نوع فعالیتهایی به اینجا رسیده است.

تا آنجا که به حزب ما مربوط میشود این فعالیتهای به شکل گذاشتن افق انقلاب در چشم انداز جامعه طی ده ها سال فعالیت، و نبردها و کمپین ها و مبارزات میدانی در داخل و خارج کشور علیه جمهوری اسلامی و جنبش اسلام سیاسی و در دفاع از معیشت و منزلت و علیه دزدی و فساد و سرکوب و هر نوع تبعیض و نابرابری و علیه اعدام و سنگسار و غیره خودش را نشان میدهد. اینها بر ذهنیت جامعه، بر شکلگیری این انقلاب از نظر فضای اعتراضی، مضمون خواسته های انقلاب، و آگاهی و خودآگاهی و توقعات و انتظارات مردم نقش اساسی دارد.

اجازه بدهید مثالی بزنم. الان لغو مجازات اعدام یک خواست و یک گفتمان عمومی در جامعه ایران است. این خود بخود صورت ادامه در صفحه ۳

یک زندگی انسانی برسد، به قرن بیستم و بیست و یکم برسد و مدام سرکوب شده است، مدام بطرق مختلف به عقب رانده شده است، و الان جامعه به میدان آمده است که این پرچمی که از نسلهای گذشته میتوانیم بگوییم به ارث برده است، را به اهتزاز در آورد و خواست دیرینه آزادی و رفاه، و برابری را متحقق کند. در واقع میتوان گفت که نسل جوانی که امروز به خیابان آمده است، دهه هشتادی ها، بعنوان موتور انقلاب و صف مقدم انقلاب، و همینطور زنان که برای حقوق خودشان و کل جامعه بلند شده اند، در واقع پرچم فقط نسل خودشان را بلند نکرده اند بلکه پرچم نسلهایی که در گذشته بارها بلند شدند و سرکوب شدند را هم بدوش میکشند. به این معنا این انقلاب دارد یک تسویه حساب تاریخی میکند با ارتجاع، با سرکوب، با بی حقوقی، با مذهب، با دیکتاتوری، با فقر و با همه مصائبی که که همیشه جامعه ما را به بند کشیده بوده است. یک تسویه حساب تاریخی و بنیادی! این بار همه امیدها به این است و همه تلاشمان را میکنیم که این انقلاب موفق بشود و به این خواسته های دیرینه مردم ایران جامعه عمل بپوشانیم.

خلیل کیوان: اشاره کردید که جامعه در تجربه و عمل خود به این درک میرسد که برای خلاصی از وضع موجود راهی جز انقلاب ندارد. آیا خودآگاهی جامعه برای دست زدن به انقلاب خودبخودی است یا نیروهای سیاسی و اجتماعی و احزاب و جنبش ها در شکل گیری آن نقش دارند؟

حمید تقوایی: در تحولات اجتماعی هیچ چیزی ابتدا به ساکن اتفاق نمیافتد. در جامعه امروز ایران هم بروشنی داریم میبینیم که گفتمانها، سیاستها، فعالیتهای چه در سطح اجتماعی و وسیع و چه در سطح احزاب اویزیسیون در این چند دهه اخیر مطرح بوده،

زمینه های سیاسی و اجتماعی انقلاب جاری
ادامه از صفحه ۲



نگرفته است. حزبی مثل حزب ما مدت‌ها با شعار اعدام قتل عمد دولتی است علیه اعدام مبارزه کرده است، کمپین کرده است، کسانی را از مجازات اعدام نجات داده است، و غیره. این جنبش گسترده علیه اعدام بنوبه خود نقش اساسی دارد در شکستگری این انقلاب و توقع و انتظار مردم از حکومت دلخواهشان. حکومتی که از همان روز اول باید اعدام به هر دلیلی و بهانه ای را ممنوع کند.

یا فرض کنید مساله حجاب. حزب ما سال‌های متمادی مبارزه وسیع و پیگیری علیه حجاب اجباری و اسلامی را به پیش برده است و میبینیم که انقلاب از سر حجاب شروع میشود. به همین ترتیب مبارزه علیه اسلام و ارتجاع مذهبی و جنبش اسلام سیاسی و آپارتاید جنسیتی که مضمون انقلاب جاری است و حتی نام و کفتمان انقلاب زنانه، همه بخشی از کارنامه حزب ما است که اکنون به پرچم انقلاب جاری تبدیل شده است.

این تجربه نشان میدهد که چطور فعالیت احزاب و نیروهای سیاسی در زمینه سازی انقلابات تاثیر دارد. این فعالیتها البته در یک سطح اجتماعی همانطور که شما اشاره کردید در جنبش ها خود را نشان میدهد؛ در جنبشهای اجتماعی و فعالین و اکتیویستها در این جنبش ها. تبیین ما از وضعیت ایران این بوده است که جنبش سرنگونی یک جنبش زنده و قوی در ایران است و امروز می بینیم که جنبش سرنگونی تبدیل شده است به انقلاب. ما از تیرماه ۷۸ با اولین خیزش توده ای بحث جنبش سرنگونی را مطرح کردیم و گفتیم یک جنبش توده ای برای سرنگونی حکومت آغاز شده است. و از آن زمان تا امروز همه تلاشمان را کردیم که جنبش سرنگونی به انقلاب ارتقا پیدا کند و امروز میشود گفت که انقلاب جاری در واقع از نظر مضمونی در ادامه جنبش سرنگونی شکل گرفته است.

البته تنها هم جنبش سرنگونی نبود که بر شکستگری انقلاب تاثیر داشت. ما جنبش خانواده های دادخواه را داریم، جنبش دادخواهی که جنبش قوی است و نقش داشت در شکل دادن به وضعیت امروز، جنبش کارگری را داریم که اعتصابات گسترده آزادی زن، جنبش ضد مذهبی، جنبش علیه فقر، جنبش برای معیشت و منزلت و غیره. این ها گفتمان ها و جنبش هایی بودند که میتوان گفت به دهها صدها و هزاران ان جی او و تشکلهای مدنی، کمیته ها، نهادها، انجمن ها در جامعه شکل دادند. تمام اینها در اینکه جامعه به سوی انقلاب سوق پیدا کند و امروز شاهد این انقلاب شکوهمند باشیم، نقش موثری داشتند.

خلیل کیوان: یک مشاهده این است که نهادها و فعالین در انقلاب جاری در برخی از عرصه ها مثلا در اعتراضات خارج کشور نقشی پررنگ تر از احزاب دارند. این پدیده را

چطور توضیح میدهید؟

حمید تقوایی: این تا حدی طبیعی است و قابل انتظار بود. انقلابات و از جمله انقلاب جاری که ما داریم راجع به آن صحبت میکنیم نمادها، چهره ها و میشود گفت ماتریال اعتراضی خودش را بوجود میآورد و به جلو میراند و الان هم در خارج کشور بخصوص و همچنین در داخل کشور ما می بینیم که نهاد هایی هستند، چهره هایی هستند که نقش مهمی دارند ایفا میکنند. اینها معمولا چهره ها و نهادهایی هستند که با خواستهای انقلاب مردم همراه اند، باصطلاح پرچم انقلاب را در دست میگیرند و از انقلاب دفاع میکنند. به همان اندازه که اینها شعارهای مردم، و خواستهای مردم مطرح کنند، بجلو رانده میشوند.

احزاب در یک سطح وسیعتر و استراتژیک تری و میشود گفت کلان تری به سیاست می پردازند. یعنی نه تنها علیه جمهوری اسلامی بلکه در مورد نظام جانشین جمهوری اسلامی و در مورد شرایط آینده و در مورد سیاستها و اقداماتی که باید بعد از جمهوری اسلامی انجام بشود، حرف و برنامه دارند. مثلا حزب ما خواهان تشکیل یک جمهوری سوسیالیستی بر مبنای برنامه یک دنیای بهتر است. احزاب و نیروهای دیگر هم طرح های خودشان را دارند. به این معنا نقش احزاب میتوانم بگویم نه تنها در روند سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه در آتیه آن هم نقش مهمی است. در روند سرنگونی احزاب همانقدر نقش ایفا میکنند که پیگیرانه پرچم انقلاب را با تمرکز روی سرنگونی حکومت در دست بگیرند.

به نظر من در نهایت نقش احزاب اساسا بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی تعیین کننده خواهد بود ولی برای اینکه آن نقش را ایفا کنند از همین امروز باید اعتبار کسب کنند، باید در دل جنبش سرنگونی طلبانه مردم حرف دل آنها را مطرح کنند و بخصوص نقد

مردم و اعتراض مردم را پایه ای تر عمیقتر و وسیعتر مطرح کنند و این متد و سیاستی است که ما در ادبیات حزب "تعمیق نه مردم" می نامیم. احزاب انقلابی از جمله حزب کمونیست کارگری تا هر اندازه که بتوانند نقد مردم به وضع موجود را ریشه ای کنند، معنی وسیعتر و پایه ای تری را از سرنگونی مطرح کنند، و جامعه را به سمت تغییرات بنیادی و ریشه ای سوق بدهند، به همان اندازه در همین روند سرنگونی اعتبار بیشتری کسب خواهند کرد و آنموقع بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی هم نقش تعیین کننده ای در اوضاع خواهند داشت.

خلیل کیوان: نقش نهادها و فعالین اجتماعی در سرنگونی چیست و پس از سرنگونی چه نقش و جایگاهی در تحولات خواهند داشت؟ رابطه آنها با احزاب سیاسی چگونه خواهد بود؟

حمید تقوایی: بنظر من جنبش ها، نهادها، سازمانها و چهره های جنبش های اعتراضی مختلف، هم در رساندن جامعه به این شرایط انقلابی نقش تعیین کننده ای داشت اند، و هم در دل این انقلاب نقش مهمی ایفا میکنند. کما اینکه می بینیم مثلا شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، و یا شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت، یا کانون نویسندگان یا انجمن خانواده های جانبختگان شلیک به هواپیما و یا دیگر نهادها و چهره های مختلفی بیابیه میدهند و اعتراض می کنند و فراخوان میدهند. اینها در دل اعتراضات چندین ده ساله شکل گرفته اند و به جلو آمده اند و فعالین و اکتیویست هایی را در خودشان سازمان داده اند. بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی طبعا اینها یک وزنه ای خواهند بود در تاثیرگذاری و در شکل دادن به تحولات بعد از سرنگونی. قابل تصور نیست که حزبی، نیرویی، چهره ای بتواند سیاست

ادامه در صفحه ۴

از مینه های سیاسی و اجتماعی انقلاب جاری
ادامه از صفحه ۳

خودش را اعمال کند و یا نقشی. در حاکمیت داشته باشد بدون اینکه پذیرش و اعتماد بخش قابل توجهی از این فعالین در جنبش کارگری، در جنبش دادخواهی، در جنبش معلمان و در جنبشهای مختلف که در جامعه می بینیم را با خود داشته باشد.

ببینید انقلاب اتوریته مردم را به خیابان می آورد و هر حزب و چهره و نیروی سیاسی اگر بخواهد در شکل دادن به تحولات سیاسی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی نقشی ایفا کند، باید این اتوریته را با خودش داشته باشد. جامعه باید به نیروهای سیاسی اعتماد کند و جامعه بی شکل نیست. علاوه بر تشکلهائی که از مدتها قبل از انقلاب فعال بوده اند تشکلهای و نهادهای و چهره های مختلفی نیز در دل انقلاب شکل میگیرند، تشکلهای نوع شورایی شکل میگیرند و این تشکلها هستند که رای مردم و حرف مردم را نمایندگی میکنند. هر نیرویی بخواهد در تحولات آتی نقش بازی کند باید به آنها متکی بشود. چه بسا خیلی از چهره هایی که از دل این جنبشها بیرون می آیند مستقیماً خودشان بقدرت رانده بشوند و در شکل دادن به حاکمیت و دولت بعدی نقش داشته باشند. این کاملاً ممکن است. انقلاب با خودش راه حل را هم مطرح میکند. انقلاب یک نه عمیق است به وضع موجود ولی در دل این پروسه سرنگونی در این روند به هم زدن همه چیز، ارکان نظام آتی را هم پایه گذاری میکند و شکل میدهد. یکی از مهمترین مولفه های این پایه ها و بنیادهای نظام آتی تشکلها، چهره ها و نهادهای و کمیته ها و کلاس سازمانهایی هستند که در دل انقلاب شکل گرفته اند و یا در جنبشهای اعتراضی قبل از انقلاب فعال

بودند. اینها همه مطرح میشوند و اینها هستند که تعیین کننده خواهند بود حتی در اینکه چه حزبی چقدر اتوریته دارد و چه حزبی میتواند چه نقشی ایفا کند.

خلیل کیوان: اگر سرنگونی بدون دخالت احزاب و نیروهای متشکل رهبری شود در آن صورت نظام بعدی را چه نیروهایی و بر اساس چه برنامه ای شکل خواهند داد؟ نقش احزاب در شکل دهی نظام آینده چه خواهد بود؟

حمید تقوایی: فرض اول شما این است که جمهوری اسلامی سرنگون میشود و احزاب همچنان نقش نخواهند داشت. این فرض درستی نیست. به احتمال زیاد چنین اتفاقی نخواهد افتاد. الان انقلاب در آغاز راه است. در دل این انقلاب احزاب و نیروهای سیاسی مطرح خواهند شد. باید توجه کنید که یک دوره ای پیش می آید که یک نوع آزادی های دوفاکتوری و عملی در جامعه شکل میگیرد و در آن دوره است که احزاب میتوانند شکوفا بشوند و فعالیت کنند. این احتمال بسیار بعید است که جمهوری اسلامی سرنگون بشود و احزاب این دوره را طی نکرده باشند و چنین اتفاقی نیفتاده باشد.

ولی اگر هم فرض کنیم که اینطور باشد آن نیرویی که جمهوری اسلامی را سرنگون کرده است، یعنی توده مردم، حتماً از پائین به خودش شکل داده است، سازمانهایی پیدا کرده است، تشکلهایی پیدا کرده است، چهرههایی بیدار آمده اند و در خود ایران و در خارج کشور فعال بوده اند. اینها باصطلاح دستاوردها و سرمایه ای هستند که انقلاب ایجاد کرده و به به جلو رانده است. اینها در نهایت با احزاب از نظر شکل دادن به آینده و از نظر حکومتی که باید بیاید و نظامی که باید در ایران برقرار بشود بالاخره بنوعی به احزاب متصل میشوند. میخواهم بگویم که در شرایط قبل از سرنگونی میتواند یک نیرویی،

چهره ای، سازمانی جلو بیاید و با پرچم نه به جمهوری اسلامی و با پرچم سرنگون باد قدرت را بگیرد و اتوریته داشته باشد ولی بعد از سرنگونی این دیگر کافی نیست. بعد از سرنگونی جامعه متمرکز میشود که حالا چطور به خواسته هایمان برسیم و در عین حال از پائین در سطح خیابان به خودش شکل داده است، سازمان داده است، تشکلهای نوع شورایی ایجاد شده است و غیره. برای تحقق خواستهها و اهداف انسانی انقلاب، این تشکلهای باید در شکل دادن به نظام آتی نقش تعیین کننده ای داشته باشند.

تا آنجایی که به حزب ما مربوط میشود ما خواهان این هستیم که مردم مستقیماً در سرنویشت خودشان دخالت کنند. خیلی از نیروها هستند که مردم را برای دوره انقلابی قبول دارند، بالاخره مجبور شده اند به آن تن بدهند ولی بعد از پیروزی میخواهند مردم را به خانه بفرستند و خودشان از بالای سر مردم قانون اساسی بنویسند و دولت موقت تشکیل بدهند و غیره. ما درست عکس اینها حرکت میکنیم. ما میگوییم اتفاقاً در دوره بعد از سرنگونی نقش مردم باید هر چه بیشتر برجسته بشود. حکومت باید مبتنی بر تشکلهایی که مردم در دل انقلاب سازمان داده اند، شوراها یا تشکلهای نوع شوراها باشد. احزاب از طریق این شوراها در حاکمیت نقش ایفا میکنند.

در هر حال ما خواهان این هستیم که هر نوع قدرت مافوق مردم و بالای سر مردم کنار زده شود و خود مردم مستقیماً در تعیین نظام آتی نقش داشته باشند. این هدف و استراتژی است که حزب ما دنبال میکند.

۲۳ نوامبر ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

یک رکن دیگر انقلاب این است که مردم به قدرت خودشان اتکا می کنند و متوجه میشوند که برای تغییر اوضاع هیچ نیرویی، چه از داخل حکومت و چه از خارج حکومت، نیرویی که خواهان تحول از بالا و با تغییرات از بالای سر مردم است، نمیتواند اصلاحی به نفع آنها انجام بدهد. متوجه میشوند که چنین چیزی ممکن نیست. وقتی جامعه به این نتیجه میرسد اتکا به نیروی خود، به خیابان آمدن و تحقق خواستهها به دست خود، تبدیل میشود به باور عمومی و به یک گفتار عمومی. به همین خاطر همانطور که شما گفتید کلمه انقلاب هم که ممکن بود تا دو سال پیش اقشاری از آن دلخوشی نداشته باشند با آنرا هرج و مرج بدانند و یا فکر کنند که ۵۷ تقصیر انقلاب بود که جمهوری اسلامی آمد و به انقلاب روی خوشی نشان ندهند، این هم رخت برمیینند و انقلاب تبدیل میشود به یک ارزش و به یک گفتار عمومی و امروز ما شاهد این تحول هستیم.

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سردبیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

internasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wcpiran

انترناسیونال: www.international.com/wcpira

تلگرام: telegram.me/wcp_iran

وبسایت: www.wcpiran.org

اتحاد صف انقلاب و نقش احزاب
ادامه از صفحه ۱



همبستگی و اتحاد پرشور هم اکنون در خیابانها و در سطح میدانی متحقق شده است. میتوان گفت اتحاد و همبستگی مردم نیز، مانند شیوه های مبارزاتی بدیع و ابتکاری و موثر در انقلاب جاری، از برداشتن حجابها و حجاب چرخانی تا مختلط کردن سلف سرویس دانشگاهها و ار شعاردهی شبانه از خانه ها و فروریختن سنگ و گلدان و اتو و صندلی بر سر مزدوران حکومتی از پنجره ها و بالکنها، تا عمامه پرانی، از داده های خودبخودی انقلاب است. این بروز همبستگی شکوهمند خیابان است علیه یک حکومت "ضد زن، ضد زندگی و ضد آزادی!"

خصلت همگانی انقلاب را در خارج کشور نیز مشاهده میکنیم. تظاهرات و اعتراضات توده ای در کشورها و شهرهای مختلف در سطح جهانی، از تجمع هشتاد هزار نفره برلین تا تظاهراتی ده ها هزار نفره شنبه ها در صدها شهر و ده ها کشور، همگانی بودن انقلاب جاری را در ابعاد جهانی به نمایش میگذارد.

چپ و اتحاد صفوف انقلاب

انقلاب خصلتی سلبی دارد، علیه نظم موجود و برای درهم کوبیدن آن به حرکت درآمده است و این هدف مشترک چسب درونی صفوف مردم است. ازینرو هر درجه طرح اهداف و برنامه های اثباتی از جانب احزاب، چه راست و چه چپ، در دل انقلاب و در میدان مبارزه خیابانی و توده ای برای بزیر کشیدن حکومت حرکتی مغایر سیر عینی انقلاب و خصوصیت سلبی و همگانی آنست و تنها میتواند به حاشیه ای شدن آن نیرو منجر بشود. در دل انقلاب حاضر نیز هر نیروی سیاسی، اعم از احزاب و تشکلهای و یا افراد فعال و چهره ها، تنها میتواند با رادیکالیسم و نقد ریشه ای عمیق اش به نظام و حکومت جمهوری اسلامی نفوذ و اعتبار کسب کند. معیار بجلو رانده شدن در دل یک انقلاب و جلب اعتماد توده های انقلابی، نقد و نفی نظام و حکومت موجود است و هر چه این نقد و نفی ریشه ای تر و جامع تر باشد، انقلاب فراگیرتر و قدرتمند تر خواهد شد.

نقد و افشای هر نیروی اپوزیسیون که سیاستهایش عملاً تفرقه افکنانه، سازشکارانه، و در جهت تقویت حکومت باشد نیز جزئی از همین نقد و نفی عمیق حکومت است. در دل انقلاب نیروهای سیاسی را باید با محک نقش و تاثیرشان در رابطه با انقلاب سنجید و محک زد. اینجا بخصوص خطاب به دوستان در جنبش چپ و کمونیستی، باید تاکید کنم که افشا و مرزبندی با نیروهای دیگر مخالف حکومت، بیخاطر آنکه کمونیست نیستند و یا سابقه مبارزاتی نداشته اند و تازه وارد میدان شده اند، نتیجه ای بجز انزوا و حاشیه ای شدن خود آنها نخواهد داشت. رادیکالیسم ما در نقد ریشه ای تر ما به جمهوری اسلامی، در

نقد سوسیالیستی تمام تبعیضات و مصائب و بیحقوقی ها، در تعبیر پایه ای تر و انسانی تر و شفاف تر ما از زن زندگی آزادی، و مقابله ما با هر نیرویی است که بخواهد بر سر راه انقلاب مانع تراشی کند. امروز نیروی انقلاب بسیاری از چهره های ورزشی و سینمایی و سلبریتی ها در داخل و خارج ایران و حتی دولتها و احزاب حکومتی در کشورهای مختلف را به فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی و حمایت از انقلاب ایران رانده است. مرزبندی و "افشاگری" از اینان انقلاب را تقویت نمیکند، بلکه آنرا تضعیف میکنند و عملاً به نفع جمهوری اسلامی تمام میشود.

برخی از دوستان چپ تصور میکنند مخالفت با جمهوری اسلامی باندازه کافی طبقاتی و رادیکال نیست. و به همین دلیل به افشاگری و مرزبندی با دیگر مخالفین جمهوری اسلامی میپردازند تا به خیال خود مبارزه را ریشه ای و تعمیق کرده باشند. اما این تعمیق مبارزه نیست، سطحی کردن مبارزه است. بسیج همه نیروها برای خلع ید سیاسی از طبقه حاکم، که در انقلاب جاری یعنی بزیر کشیدن جمهوری اسلامی، ریشه ای ترین و عمیق ترین شکل مبارزه طبقاتی است. کمونیستی که در دل این مبارزه بجای تمرکز بر بزیر کشیدن جمهوری اسلامی به مرزبندی و "افشاگری" با هر غیر کمونیستی که از انقلاب ایران حمایت میکند پردازد، نه از سیاست و مبارزه سیاسی درک روشن و درستی دارد و نه از انقلاب و مبارزه طبقاتی.

رابطه بین نیروهای اپوزیسیون در شرایط انقلابی

تاکید ما بر محوری بودن مبارزه علیه

جمهوری اسلامی، ما را نسبت به دیگر نیروهای اپوزیسیون بی وظیفه نمیکند بلکه معیار درستی برای برخورد به دیگر نیروها بدست میدهد.

تا آنجا که به کمونیستها و مشخصاً حزب ما مربوط میشود معیار و مبنای ما در قبال دیگر نیروهای سیاسی نه رابطه آنها با حزب ما و یا با کمونیستها علی العموم، بلکه رابطه آنها با مردم است. و در شرایط امروز این رابطه با مردم قبل از هر چیز در برخورد آنها به تحولات انقلابی بروز پیدا میکند. ما وظیفه خود میدانیم که هر سیاست و موضعگیری و عملکرد از جانب هر نیروی اپوزیسیون را که در جهت تضعیف انقلاب باشد نقد و افشا کنیم. در دوره های قبل نقد سیاستها و سناریوهای رژیم چنچی و رفراندوم و سازش با جنبش سبز و بنفش و غیره از جانب نیروهای اپوزیسیون راست مورد نقد ما بود و امروز تلاش برای تزریق مقدسات ملی میهنی شاهنشاهی به حرکات خیابانی، رفتارهای فالانژی برخی از این نیروها در تظاهراتی خارج کشور، تحمیل خود به تجمعات و تلاش آنها برای هایجک کردن تظاهرات مورد نقد ما است. به نظر ما نفس به میدان آمدن انقلاب آنها با شعار انسانی و جهانشمول زن زندگی آزادی نیروهای اپوزیسیون راست را به حاشیه رانده است. و این تلاشهایی که از جانب برخی نیروهای راست مشاهده میکنیم از این واقعیت نشأت میگیرد.

نکته دیگر در مورد رابطه نیروهای اپوزیسیون با یکدیگر توهم ائتلاف و اتحاد حزبی است. بخشهایی از مردم و حتی برخی از فعالین اتحاد احزاب را عامل اتحاد صفوف

ادامه در صفحه ۶

اتحاد صف انقلاب و نقش احزاب ادامه از صفحه ۵



مردم میدانند. این تصور درستی نیست. همانطور که توضیح داده شد همبستگی و اتحاد مردم در انقلاب جاری حول اهداف رادیکال و نقد و اعتراض عمیق و عمومی به رژیم و نظام موجود شکل گرفته است. عبارت دیگر کلید اتحاد مردم گرد آمدن همه نیروهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی نیست، بلکه عمق و جامعیت این مخالفت است. مخالفت با جمهوری اسلامی از سر عرب ستیزی، از سر حسرت دوران گذشته، تاکید بر ارزشهای ملی- میهنی و ناسیونالیسم فارس و کوروش کبیر، نقد اسلام بعنوان آئین اعراب و یا اعتراض به "تحریف" اسلام از جانب حکومت، و غیره نه تنها عامل همبستگی و وحدت صفوف انقلاب نیست بلکه عامل تفرقه افکنی است. هر نوع ائتلاف و اتحادی بین نیروهای اپوزیسیون حول این نوع سیاستها و ارزشها عملاً به معنی مقابله با انقلاب و آب ریختن به آسیاب رژیم خواهد بود.

ما بر همبستگی و اتحاد توده مردم در مبارزه علیه رژیم تاکید میکنیم و این تنها در گرو نقد و اعتراضی هر چه انسانی تر و جهانشمول تر و ریشه ای تر به نظام و رژیم جمهوری اسلامی است.

تصور پست مدرنیستی از اتحاد مردم

تصور دیگری هم از وحدت مردم وجود دارد که بویژه از جانب نیروهای قومی و اتنیکی مطرح میشود. تصویری که به تلقی پست مدرنیستی از جوامع مبتنی است. این دیدگاه ابتدا جوامع را به گروههای مختلف ملی و قومی و اتنیکی تقسیم میکند و بعد با نسخه هائی نظیر فدرالیسم میخواید آنها را گرد هم بیاورد. این تصویر صد و هشتاد درجه مغایر با مدنیت و مبانی جوامع مدنی است. جامعه مدنی اساساً با مفهوم و مقوله شهروندی و حقوق شهروندی از جوامع ملوک الطوائفی قرون وسطائی جدا میشود. در محور انقلاب جاری نیز جایگزین کردن نظام عهد عتبی جمهوری اسلامی با یک نظام مدرن و مدنی و متمدن قرن بیست و یکمی قرار دارد.

انقلاب زن زندگی آزادی میخواید زن، با هر هویت ملی و مذهبی و اتنیکی که برای خود قائل است و یا به او نسبت داده شده، آزاد باشد و بعنوان یک شهروند مستقل و متساوی الحقوق برسمیت شناخته شود، میخواید زندگی همه شهروندان با معیشت و کرامت و منزلت انسانی همراه باشد، و میخواید همه مردم آزاد باشند که هر مذهبی داشته باشند و یا هیچ مذهبی داشته باشند، به هر زبانی میخواید تکلم کنند، هر لباسی میخواید بپوشند و غیره و غیره. جمهوری اسلامی خود مظهر تقسیم کردن مردم به مذاهب مختلف ملیتهای و اقوام مختلف و پاسدار انواع تبعیضات مذهبی ملی و قومی و جنسیتی است. آترناتو، برسمیت شناختن این تقسیمبندیها با طلبکاری حقوق ویژه

نیست، بلکه تضمین حقوق شهروندی همه ساکنین جغرافیای سیاسی ایران است. انقلاب حاضر نقطه پایانی نه تنها برحکومت های مذهبی بلکه بر کلیه تلقیات غیرانسانی و پسا مدرنیستی از جامعه و حاکمیت و قوانین نیز خواهد بود.

وحدت با حزب گریزی حاصل نمیشود

یک تلقی اشتباه دیگر از اتحاد مردم اینست که گوئی نفس هویت حزبی فعالین و یا شرکت با اسم و رسم حزبی در تظاهرات و آکسیونها باعث تفرقه میشود! این پدیده فعلاً در خارج کشور که حضور علنی احزاب امکان پذیر است به چشم میخورد اما میتواند با باز شدن فضای سیاسی بداخل کشور نیز سرایت کند.

این تلقی در یک نوع عقب ماندگی جهان سومی در جوامع دیکتاتور زده ای که مردم تجربه تحزب و فعالیت حزبی ندارند، ریشه دارد. در این جوامع حزبی نبودن و "من به هیچ حزبی متعلق نیستم" گوئی نوعی فضیلت است. باید با این گرایش مقابله کرد. اینجا هم باز باید تاکید کرد که اتحاد و همبستگی صفوف انقلاب از عدم وابستگی حزبی فعالینش ناشی نمیشود، بلکه از سیاستها و اهداف احزاب فعال در انقلاب ناشی میشود. باید اجازه داد جامعه روشن و شفاف سیاستها و عملکرد احزاب را ببیند و انتخاب کند. این بدیهیست در فضای سیاسی ایران پذیرفته نیست دقیقاً چون دیکتاتوری حاکم بوده است. جامعه غیر متحزب و اعتراض و اعتصاب و انقلاب غیر متحزب عارضه دیکتاتورپها و باید گفت یکی از فواید دیکتاتوری برای طبقات حاکم است. در جامعه ایران در منطقه ای مثل کردستان که به دلایل تاریخی مبارزه و اعتراض سابقه طولانی دارد حزب و حزبیت نیز امری عمومی و پذیرفته شده است. و یک نقطه قدرت اعتراضات در کردستان، بعنوان نمونه اعتصابات سراسری که از اوایل انقلاب جاری با فراخوان احزاب در چندین شهر کردستان شکل گرفت، همین متحزب بودن جامعه است. در سایر استانهای ایران اینطور نیست و این یک نقطه ضعف است که باید با آن مقابله کرد.

اما اگر در داخل کشور توازن قوا هنوز اجازه فعالیت علنی حزبی را نمیدهد در خارج کشور چنین مانعی در کار نیست. بویژه در شرایط دو ماه اخیر که تحت تاثیر انقلاب ایران تظاهراتهای گسترده در شهرهای مختلف برپا شده احزاب باید با اسم و رسم خودشان حضور به هم برسانند. روشن است که بحث بر سر احزاب و نیروهای سرنگونی طلب است. در این مورد سنتهای تظاهراتها و تجمعات در کشورهای غربی نمونه و الگوی خوبی بدست میدهد. اگر در اول ماه مه ها و هشت مارسها و یا تظاهرات و راهپیمائیها به هر دلیل دیگری احزاب در کشورهای غربی با اسم و رسم و بنر و پرچم خودشان شرکت میکنند و در تریبونها با هویت حزبیشان سخنرانی میکنند، در تظاهرات مربوط به انقلاب ایران نیز باید همین موازین را رعایت کرد.

تا آنجا که به حزب ما مربوط میشود هر جا فراخوان دهنده بوده ایم اعلام کرده ایم همه احزاب با اسم و رسم خودشان میتوانند شرکت کنند، از تریبون آزاد سخنرانی کنند و حرفشان را به گوش مردم برسانند. جائی هم که صرفاً جزو شرکت کنندگان بوده ایم با هویت حزبی و بنر و پلاکاردهای خودمان حضور به هم رسانده ایم. این البته به این معنی نیست که به نیروهای نظیر فالانتهای سلطنت طلب که امرشان تحمیل خود و هایچک کردن تظاهرات است میدان بدهیم. یا چنین نیروهای باید با گارد تظاهرات و اتکا به قوانین در هر کشوری برخورد کرد. اما هر حزب و نیروی سیاسی که امرش امر و هدف اعلام شده تظاهرات باشد، مثلاً در شرایط حاضر حمایت از انقلاب مردم در ایران و رساندن فریاد مردم ایران به گوش جهانیان، حق دارد مستقل از اینکه سیاستهایش تا چه اندازه مورد پذیرش فراخوان دهندگان هست یا نیست، با هویت حزب خودش در تظاهراتها و تجمعات شرکت کند.

رعایت این موازین در خارج کشور بخصوص و از این لحاظ اهمیت دارد که فردا با تغییر موازنه قوا در داخل کشور با همین شرایط مواجه خواهیم بود. همین امروز هم از آنجا که خارج کشور و داخل کشور از طریق

اتحاد صف انقلاب و نقش احزاب

ادامه از صفحه ۶

تلویزیونهای ماهواره ای و مدیای اجتماعی به بهم مرتبط هستند، رعایت موازین مدرن و دموکراتیک در برگزاری آکسیونها تاثیر مستقیم مثبتی بر جلب اعتماد مردم ایران به احزاب و نیروهای سیاسی خواهد داشت.

سراب "وحدت" حول گذشته!

نیروهای ابوزیسیون راست ادعا میکنند که پرچم سه رنگ نماینده همه ایرانیان است. اما تعلق خاطر آنان به پرچم نه از سر وحدت طلبی بلکه به خاطر رویای بازگشت به گذشته است. پرچم با آرم شیروخورشید که اساسا بوسیله نیروهای سلطنت طلب تهیه و وسیعا در میان ایرانیان پخش میشود بر خلاف تبلیغی که درباره آن میشود، نه نشان ایران است و نه وحدت مردم ایران. بلکه نشان رژیم از تخت افتاده است. این پرچم لوگوی سیاسی نیروهائی است که میخواهند نظام گذشته را احیا کنند و از این نظر به معنی دقیق کلمه رو به عقب و یا ارتجاعی است. اما هر که پرچم بدست گرفت لزوما طرفدار سلطنت نیست و خواهان رجعت به گذشته هم نیست. اغلب مردم پرچم سه رنگ را علامت ایران میدانند و نه حکومت فعلی و یا گذشته ایران. با بلند کردن پرچم میخواهند بگویند ما ایرانی هستیم و به همین دلیل انواع پرچم سه رنگ را، با شعار زن زندگی آزادی، بدون هیچ آرم و لوگوئی و یا تنها با خورشیدی در میان آن، بدست میگیرند.

سلطنت طلبان ادعا میکنند که پرچمشان نماد وحدت مردم است اما واقعیت کاملا بر عکس است. پرچم شیر و خورشید، هم بدلیل نمایندگی کردن نظام سلطنتی که جامعه ایران یکبار برای همیشه با آن تسویه حساب کرده

است، و هم بعنوان نماد عظمت طلبی ناسیونالیسم فارس عامل تفرقه در صفوف مردم است و نه نشان اتحاد و همبستگی. پرچم سه رنگ بویژه با آرم شیر و خورشید پرچم های ملی - میهنی - قومی کرد و ترک و بلوچ و غیره را نیز بمیدان می آورد و باز جامعه موزائیکی "کنثر المله" ایران، این بار در قالب جنگ پرچمهای رنگارنگ، در مقابل مدنیت و جامعه مدنی قد علم میکند.

اما گذشته از این معنی ملی- میهنی پرچم نمیتوان به مردم ایران بویژه جوانان و دهه هشتادیهائی که در جلوی صف انقلاب قرار دارند گذشته رایبه عنوان آینده وعده داد! اینجا دیگر بحث بر سر وحدت بخشی. و یا تفرقه افکنی نیست بلکه بر سر به عقب کشیدن جامعه به دوره قبل از جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی چنان در کشتار و جنایت گوی سبقت را از همگان ربوده است که سلطنت طلبان روی حسرت دوران گذشته حساب باز کرده اند. اما این محاسبه و امید واهی و بی پایه ای است. توحش و عقب ماندگی جمهوری اسلامی، در برابر خود انقلاب مدرن و انسانی و پیشروئی را بسیج کرده است که مشقت به آسمان میکوبد. انقلابی که نه تنها به گذشته رضایت نمیدهد بلکه میخواهد آخرین مرزهای تمدن و انسانیت و دستاوردهای علمی و فرهنگی و اجتماعی را در نوردد و جهانی را با خود به جلو سوق دهد. عشق به پرچم در ذهنیت دهه هشتادیهها و انقلاب زن زندگی آزادی جائی ندارد.

تا آنجا که به پرچم کشورها، و نه لوگو و نماد سیاسی احزاب، مربوط میشود پرچم هیچ کشوری از حکومت آن جدا نیست. پرچم کشور ایران نیز همان پرچم جمهوری اسلامی است که در انقلاب حاضر بوسیله مردم در خیابانهای ایران به آتش کشیده

میشود. اعتراضات خارج نیز اگر بخواید با اعتراضات مردم بپاخاسته ایران هماهنگ باشد باید پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی را به آتش بکشند.

هر نیروئی حق دارد با هر پرچمی به خیابان بیاید ولی از نظر ما پرچم هیچ بار مقدس تاریخی و ملی- میهنی و ناسیونالیستی ندارد بلکه صرفا نشانه یک جغرافیای سیاسی معین است که در نهادهای بین المللی و یا در مسابقات ورزشی و نمایشگاهها کشور معینی را نمایندگی میکند. اگر کسی واقعا به فکر اتحاد مردم است باید هر رابطه ای با پرچم سه رنگ را که در هر ورژنی یا در گذشته دارد کنار بگذارد و پرچم آینده، پرچم انقلاب، پرچم زن زندگی آزادی را به اهتزاز درآورد.

جمع بندی

انقلاب حرکتی همگانی و سلبی است. اتحاد توده مردم و استحکام و گسترش صفوف انقلاب نه از طریق ائتلاف احزاب و نیروها حاصل میشود، و نه از طریق پرچم و دیگر نمادهای ملی- میهنی. حزب گریزی نیز گرایش عقب مانده و حاصل دیکتاتوری است و نه زمینه ساز اتحاد مردم.

همبستگی و اتحاد و انسجام صف انقلاب در گرو بر افراشتن ریشه ای ترین و انسانی ترین و همه جانبه ترین نقد به کل نظام موجود است. این بویژه به عهده نیروهای چپ و کمونیستی است که در شرایط انقلابی مانند شرایط امروز ایران تمام نیروی خود را به تحکیم همبستگی و اتحاد صفوف انقلاب حول نقد سوسیالیستی همه نابرابریها و تبعیضات و بیحقوقی ها متمرکز کنند. این تنها راه پیشروی و پیروزی انقلاب جاری است.

۲۰ نوامبر ۲۰۲۲

۵/۱/۱

حزب و جامعه در ایران

بحثی پیرامون ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی

حمید تقوایی

مجموعه ای از مقالات، مصاحبه ها و گزارشات
درباره جنبش کارگری:

تشکیلاتی توده ای، خواستها و مطالبات کارگران اعتراضات جاری، ابراز
جود ملی و اجتماعی کارگران کمونیست و سامانیایی حزب در میان کارگران



باز تکثیر از: کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری ایران



یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

از انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران

نابود باد حکومت اسلامی